

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۸ اگست ۲۰۱۱

"وردک" "هیبت آباد" نبود

خوانندگان ارجمندی که قبول زحمت نموده و نوشته های این قلم را نیز از نظر می گذرانند، حتماً به خاطر دارند که وقتی مطلب (تجارت خون "آی. اس. آی" با "سی. آی. ای" و "تیم های مرگ" کودک کش آن) را تقدیم می نمودم در ششمین قسمت آن نوشته که به تاریخ ۱۵ ماه می به نشر رسید؛ تذکر دادم که خلاف تصور واهی یک عده از مداحان امپریالیزم و آنهایی که از لحاظ روانی تبلیغات دشمن بر آنها کارگر افتیده، امپریالیزم جنایت گستر امریکا را آسیب ناپذیر و فعال مایشاء می دانند، شواهد و قرائن نشان می دهد که پیروزی در هجوم به خانه "هیبت آباد" نه نتیجه درایت نظامیان امریکا بود و نه هم محصول اجتناب ناپذیر برتری تکنولوژیک آن کشور؛ بلکه آنچه اهل خانه را به مانند یک خرگوش آزمایشی به زیر تیغ کشید، اعتماد مطلق اهل خانه به ارتش و دولت پاکستان بود. اهل خانه در "هیبت آباد" به خاطری نتوانستند از خود دفاع نموده چند تن از مهاجمان را به سزای اعمال جنایتکارانه شان برسانند که مصونیت امنیتی آن خانه به دوش ارتش پاکستان بود و اصولاً آنها نمی توانستند احساس خطر نمایند. و اما در "وردک":

"تیم مرگ" امریکائی که طبق برخی از گزارشها، در بین آنها ۶ تن از "قهرمانان هیبت آباد!!" نیز وجود داشت، تقریباً مشابه با حرکت "هیبت آباد" با اندکی تفاوت در وقت حمله (بین ساعت ۲ الی ۳ شب)، می خواستند این بار بدون کمک دولت پاکستان و به همکاری سربازان اداره مستعمراتی کابل، در "وردک" دست به عملیات زده و بدین ترتیب کارائی نیروهای ویژه یا همان "تیم های مرگ" را به رخ دیگران بکشند.

در انجام این عمل با آن که تأخیر در آغاز عملیات می توانست از چند جهت به نفع نیروهای مهاجم باشد، عمده ترین مطلبی را که "تیم مرگ" نمی خواست در محاسبات خود بگنجانند، برخورداری از نقش خاینانه ارتش پاکستان در "هیبت آباد" آنهم تا سرحد اعتماد مطلق اهل منزل به ارتش و نظامیان پاکستان و فقدان همان حمایت در قضیه "وردک" بود.

"تیم های مرگ" ارتش جنایتکار امپریالیزم امریکا که غرور کاذب امریکائی را در بالاترین درجه با خود حمل می نمایند، در کنار سایر محاسبات به نکات آتی کم بها دادند که خساره آن را نیز با خون خویش پرداختند:

۱- نخستین تفاوتی که آنها نخواستند و یا نتوانستند در محاسبات خوش بگجانند، در کنار فقدان حمایت دولتی چون پاکستان در قضیه "هیبت آباد"، روح و روان عدم اعتماد مردم افغانستان اعم از مردم عادی، مجاهد، جنگسالار، طالب و ... به اداره مستعمراتی کابل می باشد.

چه مردم ما در هرکجائی که زندگی می نمایند و به هر طیف از افراد جامعه که تعلق عقیدتی داشته باشند، منهای آنهایی که قلاده رفیت و بردگی استعمار و اداره مزدور آن را به گردن دارند، به هیچ صورت بالای اداره مستعمراتی اعتماد نداشته و نمی توانند مقابل پرواز پائین و شبانه هلیکوپتر و یا حرکت سایر و سایل نقلیه جنگی بی تفاوت برخورد نمایند.

۲- برنامه ریزان عملیاتی "تیم های مرگ" بر مبنای غرور امپریالیستی خویش فراموش نمودند، که مردم افغانستان بیش از ۳ دهه است که در شرایط جنگی زندگی می نمایند. شرایط جنگی که گاهی این حزب بر آن حزب و زمانی هم ارتش های بیگانه و یا مزدوران شان در سکوت شب، بر مردم بیگانه هجوم آورده ده ها و صد ها تن را در بستر خواب به خاک و خون کشانیده اند.

به عبارت دیگر، فضائی را که طی این ۳ دهه سوسیال امپریالیزم روس و اکنون امپریالیزم جنایت گستر امریکا بر کشور تحمیل نموده، حالتی را به وجود آورده است که زندگی مردم را به زندگی در یک قطعه عسکری در شرایط احضارات درجه یک مبدل نموده است. خودم بار ها شاهد بوده ام که مردان خانواده با تمام تجهیزات سربر بالین گذاشته اند، آنها نخواستند اند یک لحظه اسلحه را از خود دور نمایند، چه در شرایط افغانستان حیات هر انسان به آمادگی و سرعت عمل خودش وابسته است، آنچه در تمام این مدت سخت مرگبار بوده اعتماد به غیر خود(خود) از فرد شروع تا تشکیلات های معینی ادامه می یابد) بوده است.

۳- بیش از سه دهه زندگانی در میدان جنگ افغانستان، تربیت جنگی و نظامی مردم ما را چنان بالا برده است که کمتر جنرال دوران صلح می تواند با آنها همسری نماید.

با در نظرداشت نکات تذکار یافته و ده ها عامل دیگر، اصولاً نه "وردک" می تواند "هیبت آباد" باشد و نه هم یک خانواده افغان به اصطلاح عرب غنوده در تحت حمایت ارتش پاکستان. در نتیجه وقتی "تیم مرگ" امریکا تصمیم می گیرد تا در دل شب، بر خانه ای که در آن ده ها زن و کودک زندگی می نمایند، جنایتکارانه حمله نمایند، نمی توانند درک کنند که هلیکوپتر حین پائین کردن سربازان، برای باشندگان بیدار یک خانه حیثیت گنجشگ خانگی را پیدا می نماید که حین سرما برشاخی بی خیال سینه به آفتاب می دهد.

آنچه در وردک اتفاق افتاد، اگر از جانبی گواه روشنی است به این که ارتش امریکا نیز نه اسفندیار اند و نه هم آشیل. و اگر اسفندیار و آشیل هم باشند، برای آسیب رساندن به آنها باید چشم اسفندیار و پاشنه آشیل را درست نشانه گرفت.

به استناد نوشته افشاء گرانه، تحقیقی و خواندنی همکار گرانقدر ما آقای "احمد شاه وردک" که همزمان با این مطلب زیر عنوان "د وردکو له زره وینی خاخی!" به نشر می رسد، آنچه در وردک می گذرد، نه سرکوب طالب است و نه هم القاعده و یا گلبدین. بلکه کشتار بی دریغ مردمیست مظلوم که گناه شان عشق به آزادی و استقلال کشور شان است. آنها کشته می شوند، خانه هایشان ویران می گردد، به صد ها و هزاران نفر فراری و آواره می گردند، زیرا عرق ملی و عشق به وطن و آزادی را از محمد جان خان ها به میراث برده نمی خواهند به مانند

خائنین به مردم افغانستان من جمله مردم وردک از قماش، وزیرای دفاع و تعلیم و تربیه در اداره مستعمراتی خمیده زندگانی نمایند.

و اما، ببرک امریکائی که گاهگاهی فیلش یاد هندوستان نموده و بعد از کشته شدن ده ها و صد ها افغان در خواب، زوزه می کشد که کسی حق ندارد "به عملیات شبانه دست بزند"، با بی حیائی خاصی که فقط مزدوران استعمار از آن برخوردار اند، کشته شدن جنایتکاران را به جلاّد جهانی "اوباما" تسلیم می گوید. این انسان فاقد وجدان نمی خواهد قبل از آن که پیام تسلیم بفرستد از خود بپرسد که اگر آنها با راکت دشمن سوز اهل خانه متلاشی نمی شدند، چه به روزگار اهل خانه می آوردند. این انسان بی آرم برای یک لحظه نمی تواند ببیند که هرگاه آنها در عملیات جنایتکارانه شان موفق می شدند و باز هم چند زن و طفل را به خاک و خون می کشیدند، این دلقک رسوا، باز هم چگونه نوحه سرائی می نمود.

اگر عملیات شبانه "تیم مرگ" نشان داد که وقتی امریکا از کاهش تعداد نفرائش سخن می راند به چه اندیشیده و چگونه می خواهد از طریق "تیم های مرگ" شبانه مخالفان خود را نیست و نابود نماید، این نکته را نیز به اثبات رسانید که نه وردک و نه هیچ جای افغانستان، "هیبت آباد" نیست، تا جنایتکاران بدون مجازات در آن مارش نمایند. بلکه همانطوری که تاریخ درسینه خود قید نموده، افغانستان گورستان امپراتوری ها و متجاوزان بوده و تا ابد باقی خواهد ماند.